



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حسين الهمي نژاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رجعت

نویسنده:

حسین الهی نژاد

ناشر چاپی:

نشریه مبلغان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	رجعت
۷	مشخصات کتاب
۷	پیشگفتار
۷	مفهوم رجعت
۷	آثار رجعت
۷	اشاره
۸	انتقام گرفتن از ستمگران
۸	نصرت دین
۸	لذت بردن مؤمنان از حاکمیت اسلام
۸	براهین رجعت
۹	استدلال به آیات قرآنی
۱۰	استدلال به روایات معصومین
۱۰	اشاره
۱۱	رجعت در احادیث
۱۱	رجعت در زیارات معصومین
۱۲	رجعت در ادعیه معصومین
۱۲	وقوع رجعت در امتهای گذشته
۱۴	رجعت کنندگان
۱۴	اشاره
۱۴	پیامبران گذشته
۱۴	پیامبر اکرم و امامان
۱۴	امام حسین اولین رجعت کننده

مؤمنان ۱۴

قوم موسی و اصحاب کهف ۱۴

پاورقی ۱۵

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۶

رجعت

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۲-۵۶۱۶

سرشناسه: الهی نژاد، حسین

عنوان و نام پدیدآور: رجعت/ الهی نژاد، حسین

منشأ مقاله: ، مبلغان، ش ۴۰، (صفر ۱۴۲۴ ه.ق.): ص ۷۴ - ۹۰.

توصیفگر: رجعت

توصیفگر: خداشناسان

توصیفگر: پیروان

توصیفگر: ظهور منجی

توصیفگر: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم

پیشگفتار

یکی از اعتقادات در مکتب تشیع، مسئله رجعت مردگان به دنیا، قبل از شروع قیامت است. عالمان شیعه با عنایت به قرآن و روایات معصومین علیهم السلام اعتقاد به چنین پدیده‌ای را یکی از ضروریات مذهب شیعی، تلقی نموده‌اند.

مفهوم رجعت

«رجعت» در لغت به معنای بازگشت است که در قرآن و روایات اسلامی با واژه‌های گوناگونی نظیر کره، رد، حشر، ایاب، که همه این واژه‌ها در معنای «بازگشت» مشترکند، استعمال می‌شود. [۱]. مرحوم سید مرتضی در بیان معنای اصطلاحی رجعت می‌فرماید: «معنای رجعت چنین است که خدای تعالی به هنگام ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه السلام، گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته‌اند، به دنیا باز می‌گرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نائل آیند، و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده می‌کند تا از ایشان انتقام گیرد، بدین ترتیب که آشکاری حق و مرتبه بالای پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند.»

آثار رجعت

اشاره

یکی از سؤالات مطرح در بحث رجعت این است که چرا باید عده‌ای از انسانها اعم از خوب و بد، قبل از قیامت، در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دنیا برگردند؟ رجعت چه اهمیتی دارد که تا این مقدار حضرات معصومین علیهم السلام در روایات، ادعیه و زیارات بر آن تاکید کرده‌اند، تا حدی که بعضی از علماء و بزرگان دین، رجعت را از ضروریات مذهب شیعه برشمرده‌اند؟ رجعت به دنیا تنها با اذن و اراده الهی قابل تحقق است و چون خدای حکیم تمام کارها را از روی حکمت انجام می‌دهد، پس رجعت نیز دارای حکمت خواهد بود. در اینجا به مواردی از آثار رجعت اشاره می‌کنیم:

انتقام گرفتن از ستمگران

در رجعت، گروهی از منافقان و ستمگران تاریخ که در حق انسانها از هیچ ظلم و ستمی دریغ نکرده و نیز غضب کنندگان خلافت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا برمی گردند تا به بخشی از مجازاتهای خویش قبل از قیامت برسند. امام صادق علیه السلام فرمود: «لما كان من امر الحسين ما كان ضجت الملائكة الى الله تعالى، فاقام الله لهم ظل القائم وقال: بهذا انتقم له من ظالميه [۲۶]. هنگامی که کار حسین علیه السلام خاتمه یافت، ملائکه به درگاه خدا تضرع کردند. پس خداوند سایه حضرت قائم را بر پا داشت و [به آنها] فرمود: بوسیله این از آنان که به او ستم کردند (قاتلین امام حسین علیه السلام) انتقام می گیرم.» و معلوم است که در صورتی می شود امام زمان علیه السلام از قاتلین امام حسین علیه السلام انتقام بگیرد که آنها در دنیا و در قید حیات باشند و این با رجعت تحقق خواهد یافت.

نصرت دین

یکی از اهدافی که رجعت مؤمنان بر آن استوار است، نصرت و یاری رساندن به دین الهی در عصر طلایی ظهور امام زمان علیه السلام است. بزرگی و عظمت قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام، می طلبد که یاران آن حضرت از حیث تعداد و نیرو به فراخور آن نهضت باشند. رجعت، زمینه را برای همه افرادی که لایق یاری رساندن بوده و قبلا از دنیا رفته اند، فراهم می سازد. در برخی از دعاها از خدای بزرگ می خواهیم که ما را در دوران ظهور امام زمان علیه السلام - در صورتی که مرده باشیم - زنده گرداند تا او را یاری دهیم چنانکه در دعاها ماه ذیقعد چینی می خوانیم: «اللهم عجل فرج اولیائک وارد علیهم مظالمهم و اظهر بالحق قائمهم... اللهم صل علیه و علی آبائه و اجعلنا من صحبه و ابعثنا فی کرته حتی نکون فی زمانه من اعوانه [۳۶]. خداوند! فرج دوستان را نزدیک کن، آنچه به ستم از آنان گرفته اند به ایشان برگردان و قائمشان علیه السلام را به حق ظاهر کن... خداوند، بر آن بزرگوار و پدرانش درود فرست و ما را از یارانش قرار ده و در رجعتش محشورمان کن تا جزء یاری کنندگان آن حضرت باشیم.»

لذت بردن مؤمنان از حاکمیت اسلام

بسیاری از مؤمنان در طول تاریخ، آرزوی حاکمیت دین در سراسر جهان را داشتند و در این راه مبارزه کردند، اما دشمنان دین با ظلم و جور خود نگذاشتند دین در تمام ابعاد حاکمیت یابد. در دوران رجعت، مؤمنان برمی گردند تا عزت دین و خفت و خواری ظالمان را ببینند. امام باقر علیه السلام فرمود: «فاما المؤمنون فینشرون الی قراءه اعینهم و اما الفجار فینشرون الی خزی الله ایاهم، ان الله یقول: «ولیدیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر [۴]. اما مؤمنان به سوی روشنیهای چشمانشان برمی گردند [تا چشمانشان با دیدن حکومت عدل امام زمان علیه السلام روشن شود] و اما ستمگران برمی گردند تا دچار عذاب الهی گردند، چنانکه خداوند می فرماید: عذاب نزدیکتر را پیش از عذاب بزرگتر به آنها می چشانیم.»

براهین رجعت

پیش از آنکه به دلایل قرآنی و حدیثی رجعت بپردازیم، ابتدا امکان چنین پدیده‌ای را از نظر عقلی بررسی می کنیم و آنگاه به سراغ قرآن و حدیث رفته و موضوع را از نظر وقوع و تحقق، مورد کنکاش قرار می دهیم. مسئله رجعت در این دنیا با مسئله حیات مجدد در روز رستاخیز مشابهت دارد. رجعت و معاد دو پدیده همگون هستند، با این تفاوت که رجعت با افق محدود و با قلمرو دنیایی قبل از قیامت به وقوع می پیوندد ولی در رستاخیز اکبر همه انسانها از ابتداء تا انتهای خلقت، برانگیخته خواهند شد. بنابراین کسانی که

امکان حیات مجدد را در روز رستاخیز پذیرفته‌اند، باید رجعت را که زندگی دوباره در این جهان است ممکن بدانند. معاد یعنی برگشت روح انسان به همین بدن مادی، حال اگر چنین بازگشتی در آن مقطع زمانی (قیامت) ممکن باشد، طبعاً بازگشت آن به این جهان قبل از قیامت ممکن خواهد بود؛ چرا که امر محال در هیچ زمانی امکان وقوع ندارد. فیلسوف بزرگ اسلامی، صدر المتالیهین رحمه الله می‌فرماید: «در باب اعتقادات، آنچه قابل پیروی است، یا دلیل و برهان است و یا نقل صحیح و قطعی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده باشد. روایات صحیح و فراوانی از امامان و سرورانمان درباره درستی عقیده به رجعت و وقوع آن به هنگام ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به ما رسیده است، عقل نیز این موضوع را غیرممکن نمی‌داند، چرا که نمونه‌های فراوانی به اذن خداوند به دست پیامبرانی چون عیسی علیه السلام و شمعون علیه السلام و دیگر پیامبران انجام یافته است.» [۵]. بعد از بیان امکان رجعت از منظر عقل، وقوع آن را با استناد به آیات و روایات مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

استدلال به آیات قرآنی

۱ - «وإذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابةً من الأرض تكلمهم أن الناس كانوا بآياتنا لا يوقنون ويوم نحشر من كل أمة فوجاً ممن يكذب بآياتنا فهم يوزعون [۶]». «و هنگامی که فرمان [عذاب] بر آنها رسد، جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان سخن می‌گوید، که مردم به آیات ما یقین ندارند. و [به خاطر آور] روزی را که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کنند محشور می‌کنیم و آنها نگه داشته می‌شوند [تا به یکدیگر ملحق شوند]». با بیان چند نکته، دلالت آیه بر رجعت روشن می‌شود. الف) حشر گروهی از هر امتی غیر از حشر در روز قیامت است. حشر در آیه فوق حشر همگانی نیست در حالی که حشر در روز قیامت شامل همه انسانها می‌گردد، چنانکه در آیه‌ای در وصف حشر روز قیامت چنین آمده است: «وحشرناهم فلم نغادر منهم احدا [۷]». «و همه را محشور کرده و احدی از آنان را فرو نخواهیم گذاشت.» ب) در صدر آیه خداوند می‌فرماید: «إذا وقع القول عليهم»، و مورد اتفاق همه مفسران است که وقوع قول (فرمان) از علانم قیامت است و روشن است که علامت یک شیء غیر از خود آن شیء است. [۸]. ج) آیات قبل از این آیه از نشانه‌های قبل از رستاخیز در پایان جهان سخن گفته‌اند و در آیات آینده نیز به همین موضوع اشاره می‌شود. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که آیات قبل و بعد، از حوادث پیش از رستاخیز سخن گویند، اما آیه وسط از خود رستاخیز. هماهنگی آیات ایجاب می‌کند که همه درباره حوادث قبل از قیامت باشند. [۹]. مفسران اهل سنت معمولاً این آیه را ناظر به قیامت می‌دانند، و می‌گویند کلمه «فوج» به رؤسا و سردمداران هر گروه و جمعیت اشاره دارد. آنان در مورد ناهماهنگی آیات - که از این تفسیر برمی‌خیزد - گفته‌اند: آیات در حکم تاخیر و تقدیم است و گوئی آیه ۸۳ بعد از آیه ۸۵ قرار گرفته باشد. [۱۰] ولی می‌دانیم که هم تفسیر «فوج» به معنای مزبور خلاف ظاهر است، و هم تفسیر ناهماهنگی آیات به تقدیم و تاخیر. [۱۱]. د) شاهد دیگر بر دلالت آیه بر رجعت، «خروج دابة الارض» است که یکی از نشانه‌های رستاخیز به شمار می‌رود [۱۲] یعنی از نشانه‌هایی است که قبل از رستاخیز رخ می‌دهد. «دابه» به معنای «جنبنده» و «ارض» به معنای «زمین» است. قرآن کریم از این کلمه بطور سربسته گذشته، و گوئی بنابر اجمال و ابهام بوده است. تنها وصفی که قرآن برای آن ذکر کرده این است که با مردم سخن می‌گوید، و افراد بی‌ایمان را اجمالاً مشخص می‌کند. در بیان شخصیت و وصف «دابة الارض» دو قول مطرح است: ۱ - گروهی آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیرعادی از غیر جنس انسان با شکلی عجیب دانسته‌اند، و برای آن عجائبی نقل کرده‌اند که شبیه خارق عادات و معجزات انبیاء علیهم السلام است. این جنبنده در آخر الزمان ظاهر می‌شود و از کفر و ایمان سخن می‌گوید و منافقین را رسوا می‌سازد و بر آنها علامت می‌نهد. ۲ - جمعی دیگر به پیروی از روایات متعددی که در این زمینه وارد شده، او را یک انسان می‌دانند؛ یک انسان فوق العاده، متحرک و جنبنده و فعال که یکی از کارهای اصلیش جدا ساختن صفوف مسلمین از منافقین و علامت گذاری آنهاست. حتی از برخی روایات استفاده می‌شود که عصای موسی علیه السلام و خاتم سلیمان

علیه السلام با او است. [۱۳]. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «لا- یدرکها طالب ولا- یفوتها هارب فتسم المؤمن بین عینیه ویکتب بین عینیه مؤمن وتسم الکافر بین عینیه وتکتب بین عینیه کافر، ومعها عصا موسی علیه السلام و خاتم سلیمان علیه السلام [۱۴]. [دابه‌ الارض بقدری نیرومند است که] هیچکس به او نمی‌رسد و کسی نمی‌تواند از دست او فرار کند، بین دو چشم مؤمن علامت می‌گذارد و می‌نویسد: «مؤمن» و بین دو چشم کافر علامت می‌گذارد و می‌نویسد: «کافر!» و عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است. امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی به عمار گفت: آیه‌ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است. عمار گفت: کدام آیه؟ گفت آیه «وإذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه‌ من الارض...» عمار گفت: به خدا سوگند من روی زمین نمی‌نشینم و غذا و آبی نمی‌خورم تا «دابه‌ الارض» را به تو نشان دهم! سپس همراه آن مرد به خدمت امام علی علیه السلام آمد، در حالی که غذا می‌خورد. هنگامی که چشم امام به عمار افتاد، فرمود: بیا. عمار جلو رفت و نشست و با امام علیه السلام غذا خورد. آن مرد سخت در تعجب فرو رفت و با ناباوری به این صحنه می‌نگریست، چرا که عمار به او قول داده بود و قسم خورده بود که تا به وعده‌اش وفا نکند غذا نخورد، گوئی قول و قسم خود را فراموش کرده است. هنگامی که عمار برخاست و با علی علیه السلام خداحافظی کرد، آن مرد رو به او کرد و گفت: عجیب است، تو سوگند یاد کردی که غذا و آب نخوری و بر زمین نشینی مگر اینکه «دابه‌ الارض» را به من نشان دهی. عمار در جواب گفت: «اریتکها ان کنت تعقل [۱۵]. من او را به تو نشان دادم، اگر می‌فهمیدی.» ۲ - «انا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیوة الدنیا ویوم الاشهاد [۱۶]. «بی‌گمان ما رسولان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم.» با بیان چند نکته روشن خواهد شد که این آیه اشاره به رجعت دارد: الف) مفهوم و سیاق آیه دلالت بر فعلی دارد که در آینده بطور حتمی، به وقوع خواهد پیوست. ب) نصرت و پیروزی که در این آیه وعده داده شده، تا کنون تحقق نیافته است و خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند، پس ناگزیر باید در آینده تحقق پیدا کند. ج) همه پیامبران (به جز حضرت عیسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام) و مؤمنان هنگام نزول قرآن در قید حیات نبوده و در این دنیا یاری نشده‌اند، پس به مقتضای این آیه باید آنها زنده شوند تا در همین دنیا یاری شوند. د) لفظ نصرت در مواردی به کار می‌رود که دو گروه مشغول مخاصمه و جنگ باشند و شخصی یا گروهی دیگر یکی از طرفهای درگیر را کمک کند تا برطرف مقابل چیره شود. طبیعی است که چنین معنایی با یاری کردن خداوند به انبیاء و مؤمنان در آخرت، سازگاری ندارد بلکه مصداق آیه، با رجعت و نصرت انبیاء و اولیاء در همین دنیا، تحقق پیدا می‌کند. شیخ مفید در تفسیر این آیه می‌فرماید: «شیعیان عقیده دارند که خدای تبارک و تعالی وعده نصرت خود را در مورد دوستانش پیش از آخرت تحقق خواهد بخشید و آن هنگامی است که قائم علیه السلام قیام کند که در پایان آن مؤمنین رجعت می‌کنند و وعده الهی تحقق می‌یابد.» [۱۷]. مؤید چنین برداشتی از آیه مورد نظر، حدیثی است که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه نقل شده است. آن حضرت فرمودند: «والله فی الرجعة، اما علمت ان انبیاء الله کثیر لم ینصروا فی الدنیا وقتلوا والائمة من بعدهم قتلوا ولم ینصروا، ذلک فی الرجعة [۱۸]. به خدا سوگند [این آیه] در مورد رجعت است، مگر نمی‌دانی که پیامبران خدا زیادند، در این دنیا یاری نشدند و کشته شدند، اما بعد از آنان [نیز] کشته شدند و یاری نگشتند. این آیه در مورد رجعت است.»

استدلال به روایات معصومین

اشاره

اخبار و روایاتی که پیرامون رجعت از معصومین علیهم السلام نقل شده، به قدری زیاد است که بسیاری از بزرگان و علمای دین در طول تاریخ شیعه درباره آنها ادعای تواتر کرده‌اند. علامه مجلسی می‌گوید: «نزدیک به ۲۰۰ حدیث صریح از امامان علیهم السلام به

طور متواتر به دست ما رسیده است.» [۱۹]. مرحوم شیخ حر عاملی می‌گوید: «هیچ شکی نیست که این احادیث مذکور به حد تواتر معنوی رسیده است و تعداد آن ۵۲۰ حدیث خواهد بود.» [۲۰]. مرحوم طبرسی می‌گوید: «از امامان علیهم السلام به طور متواتر روایت شده که خداوند به هنگام قیام مهدی علیه السلام گروهی از دوستان و دشمنان آن حضرت را... برمی‌گرداند.» [۲۱]. «محدث جزایری» در شرح تهذیب ادعا کرده است که ۶۲۰ حدیث پیرامون رجعت دیده است. [۲۲]. آنچه از معصومین علیهم السلام در مورد رجعت به ما رسیده است در سه قالب احادیث، ادعیه و زیارات مطرح شده‌اند. از این رو در ذیل هر یک از این عناوین برخی از سخنان آنان را نقل می‌کنیم.

رجعت در احادیث

۱ - از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «من اقر بسبعة اشیاء فهو مؤمن وذكر منها الايمان بالرجعة [۲۳]. هر کس به هفت چیز اعتقاد داشته باشد، مؤمن است و در میان آن هفت چیز ایمان به رجعت را ذکر فرمودند.» ۲ - امام صادق علیه السلام فرمودند: «لیس منا من لم يؤمن بکرتنا [۲۴]. کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد از ما نیست.» ۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: «ایام الله ثلاثة: يوم يقوم القائم ويوم الكرة ويوم القيامة [۲۵]. روزهای خداوند سه تا است: روزی که قائم [آل محمد صلی الله علیه و آله] قیام کند و روز رجعت و روز قیامت.» ۴ - مامون به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: ای ابوالحسن! در مورد رجعت چه می‌گویی؟ آن حضرت فرمودند: «انها الحق قد كانت في الامم السالفة ونطق بها القرآن وقد قال رسول الله: يكون في هذه الامة كل ما كان في الامم السالفة حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة [۲۶]. رجعت حق است و در امتهای گذشته نیز بوده و قرآن آن را بیان کرده است. و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنچه در امتهای گذشته واقع شده در این امت نیز بدون کم و کاست واقع خواهد شد.» (حذو النعل بالنعل و القذة بالقذة) یعنی برابری و یکسانی فعلی که در دو زمان با شباهت کامل، گام به گام و مو به مو، تحقق پیدا می‌کند). ۵ - ابوالصلاح کنانی نقل می‌کند که می‌خواستم مسائلی را از امام باقر علیه السلام بپرسم و در ضمن مایل نبودم صریحا سؤال را مطرح کنم، امام باقر علیه السلام فرمودند: «لعلک تسال عن الکرات، گویا می‌خواهی از رجعتها سؤال کنی؟» گفتم: آری، فرمود: «تلك القدرة ولا ينكرها الا القدرية [۲۷]. این از قدرت [خدا است و جز «قدریه» کسی آن را انکار نمی‌کند.» ۶ - ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «اینکه اهل العراق الرجعة؟ آیا اهل عراق رجعت را انکار می‌کنند؟» گفتم: بله. فرمودند: «سبحان الله، اما يقرؤون القرآن «و یوم نحشر من کل امة فوجا [۶]. سبحان الله! مگر قرآن نمی‌خوانند که می‌فرماید: روزی که از هر جمعی دسته‌ای را محشور می‌کنیم.» ۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: «والله لا تذهب الايام واليالي حتى يحيى الله الموتى ويميت الاحياء ويرد الحق الى اهله ويقيم دينه الذي ارتضاه لنفسه [۷]. به خدا سوگند که روزها و شبها به سر نیاید و قیامت بر پا نشود تا آنکه خداوند مردگان را زنده کند و زندگان را بمیراند و حق را به اهلش برگرداند و دین برگزیده خود را بر پا دارد.»

رجعت در زیارات معصومین

۱ - در زیارت جامعه می‌خوانیم: «واشهدکم انی مؤمن بکم وبما آتمتم به... معترف بکم مؤمن بایابکم مصدق برجعتکم منتظر لامرکم مرتقب لدولتکم، شما را گواه می‌گیرم که من به همه آنچه شما به آن مؤمن هستید ایمان دارم... به شما معترف و به بازگشت شما معتقد هستم و رجعت شما را تصدیق می‌نمایم، به انتظار فرمان و دولت شما به سر می‌برم.» ۲ - در زیارت وارث امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «واشهد الله وملائکته وانبيائه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن، خدا و ملائکه و انبیاء و رسولان را گواه می‌گیرم که به [امامت] شما مؤمن هستم و به بازگشت شما یقین دارم.» ۳ - در زیارتنامه‌ای که به امام صادق علیه السلام برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و هر یک از ائمه علیهم السلام دستور فرمودند، آمده است: «انی لمن القائنین بفضلکم مقرر

برجعتکم، لا انکر لله قدره ولا ازعم الا ما شاء الله [۲۸]. من از جمله کسانی هستم که قائل به فضل شما و اقرار کننده به رجعت شما هستم و [در این مورد،] منکر قدرت خدا نبوده و جز آنکه خدا می‌خواهد اعتقادی ندارم. ۴ - در زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌خوانیم: «انی بکم وبایابکم من المؤمنین [۲۹]. من به شما و بازگشت [و رجعت] شما ایمان دارم.» ۵ - در زیارت اربعین می‌خوانیم: «واشهد انی بکم مؤمن وبایابکم مؤمن بشرایع دینی و خواتیم عملی و قلبی لقلبکم سلم [۳۰]. گواهی ده که من نسبت به شما مؤمنم و به بازگشتتان یقین دارم، به واسطه دستوره‌های دینم و پایان کارهایم، و دل من در برابر دل شما تسلیم است.» ۶ - در زیارت عسکرین آمده است: «مؤمننا بایابکم مصدقا بدولتکم مرتقبا لامرکم معترفا بشانکمما [۳۱]. در حالی که به بازگشت [و رجعت] شما اعتقاد دارم و دولت شما را تصدیق می‌کنم و چشم به راه امر [و حکومت] شمایم و به مقام و منزلت شما اعتراف می‌کنم.» ۷ - در زیارتی که خطاب به حضرت مهدی علیه السلام خوانده می‌شود، آمده است: «فان ادرکت ایامک الزاهره و اعلامک الظاهره و دولتک القاہرہ فعبد من عبیدک... وان ادرکتی الموت قبل ظهورک فاتوسل بک الی الله سبحانه ان یصلی علی محمد و آل محمد وان یجعل لی کره فی ظهورک و رجعه فی ایامک لابلغ من طاعتک مرادی واشفی من اعدائک فؤادی [۳۲]. اگر دوران درخشان و پرچمهای برافراشته و حکومت قدرتمند تو را درک کردم، بنده‌ای از بندگان تو خواهم بود... و اگر پیش از ظهورت، مرگ مرا فرا رسید، با توسل به تو از خدا می‌خواهم که بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله درود فرستد و برای من بازگشتی در دوران ظهورت و رجعتی در زمان [حکومت] قرار دهد تا با فرمانبرداری تو مراد خویش را دریابم و دلم را [با انتقام] از دشمنانت شفا بخشم!»

رجعت در ادعیه معصومین

۱ - در دعای عهد آمده است: «اللهم ان حال بینی و بینة الموت الذی جعلته علی عبادک حتما مقضیا فاخرجنی من قبری مؤتذرا کفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملیبا دعوة الداعی زپروردگارا! اگر مرگی که بر تمام بندگانت قضای حتمی قرار دادی میان من و او (حضرت مهدی علیه السلام) جدایی افکنند، پس مرا [در هنگام ظهور مهدی علیه السلام] از قبر برانگیز، در حالی که کفنم را ازار خود کرده و شمشیرم را از نیام برکشیده و نیزه‌ام را برهنه ساخته‌ام و دعوت دعوت کننده را لیبک می‌گویم.» ۲ - در دعای روز سوم شعبان که مقارن با میلاد سید الشهداء علیه السلام است، چنین می‌خوانیم: «اسئلك بحق المولود فی هذا الیوم... قتیل العبره و سید الاسره الممدود بالنصره یوم الکرة [۳۳]. [خدایا] به حق زاده این روز... که کشته اشک و آقای قوم بود و در روز بازگشت (رجعت) به نصرت [الهی] یاری می‌شود.»

وقوع رجعت در اتمهای گذشته

بازگشت در میان اتمهای گذشته، بسان رجعت اصطلاحی که در عقاید شیعه مطرح است نمی‌باشد، ولی بازگشت انسان به این دنیا پس از مرگ در اتمهای گذشته اتفاق افتاده است که مواردی از آن را در ذیل می‌آوریم. وقوع چنین مواردی، دلیل بر امکان وقوع رجعت است. ۱ - قرآن کریم می‌فرماید: «الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احيهم» [۳۴]. «آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند و آنان هزارها نفر بودند؟ (آنان به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! [و به همان بیماری که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند،] سپس خدا آنها را زنده کرد.» در تفسیر آیه فوق، امام باقر علیه السلام فرمودند: «ان هؤلاء اهل مدینه من مدائن الشام وکانوا سبعین الف بیت... قال لهم الله: موتوا جمیعا، فماتوا من ساعتهم وصاروا رمیما وکانوا علی طریق الماره، فجمعوهم فی موضع فمر بهم نبی من انبیاء بنی اسرائیل یقال له: حزقیل. فلما رای تلک العظام بکی واستعبر وقال رب لو شئت لاحییتهم الساعه... فعادوا

احیاء [۳۵]. آنها اهل یکی از شهرهای شام و هفتاد هزار خانوار بودند... و خداوند به آنها امر فرمود: همگی بمیرید. همه در یک ساعت مردند، و کم کم پوسیدند. چون در راه عابرین بودند همه را در محلی جمع کردند. یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل از کنار آنان عبور کرد، وقتی که آن استخوانها را دید گریست و اشک ریخت و گفت: پروردگارا! ای کاش اینها را اکنون زنده می‌کردی [... با دعای آن پیامبر] آنها زنده شدند». ۲ - قرآن کریم می‌فرماید: «و اذ قلتُم یا موسیٰ لن تؤمن لک حتی نری الله جهرهً فاخذتکم الصاعقه و انتم تنظرون ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون [۳۶]». «و هنگامی که گفتید: ای موسی! به تو ایمان نمی‌آوریم تا خدای را آشکارا ببینیم! پس صاعقه شما را گرفت، در حالی که مشغول نظاره بودید. سپس شما را پس از مرگتان زنده کردیم؛ شاید شکر گزار شوید.» در کتابهای تفسیری آمده است: آنها هفتاد نفر بودند که حضرت موسی علیه السلام ایشان را برای شنیدن سخنان خداوند بر گزید. هنگامی که سخنان خدا را شنیدند، گفتند: ما ایمان نمی‌آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم.» خداوند بر آنها صاعقه‌ای فرستاد و همگی سوختند و از بین رفتند. حضرت موسی علیه السلام از این ماجرا سخت ناراحت شد، چرا که از بین رفتن هفتاد نفر از سران بنی اسرائیل در این ماجرا بهانه خوبی بدست ماجراجویان بنی اسرائیل می‌داد. از این رو از خداوند متعال بازگشت آنها به زندگی را تقاضا کرد. این تقاضا پذیرفته شد و همه آنها زنده شدند و به زندگی خود ادامه دادند. [۳۷]. ۳ - قرآن کریم می‌فرماید: «و اذ قلتُم نفسا فاداء تم فیها والله مخرج ما کنتم تکتُمون فقلنا اضربوه ببعضها کذالک یحی الله الموتی و یریکم ایاته لعلکم تعقلون [۳۸]». «و [به یاد آورید] هنگامی را که فردی را به قتل رساندید، سپس درباره [قاتل] او به نزاع پرداختید. و خداوند آنچه را مخفی می‌داشتید، آشکار می‌سازد. سپس گفتیم: قسمتی از آن [گاو] را به مقتول بزنید [تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند]. خداوند این گونه مردگان را زنده می‌کند، و آیات خود را به شما نشان می‌دهد، شاید اندیشه کنید.» در تفسیر این آیه آورده‌اند که: یک نفر از بنی اسرائیل به طرز مرموزی کشته می‌شود، در حالی که قاتل به هیچ وجه معلوم نیست. در میان قبائل بنی اسرائیل نزاع رخ می‌دهد، هر یک آن را به طایفه و افراد قبیله دیگر نسبت می‌دهد و خویش را تبرئه می‌کند. داوری را برای فصل خصومت نزد موسی علیه السلام می‌برند و حل مشکل را از او درخواست می‌کنند، و چون از طریق عادی حل این قضیه ممکن نبود، و از طرفی ممکن بود ادامه این کشمکش منجر به فتنه عظیمی در میان بنی اسرائیل گردد، حضرت موسی علیه السلام با استمداد از لطف پروردگار دستور داد که گاو ماده‌ای را بکشند و یکی از اعضاء گاو ذبح شده را به جسد مقتول بزنند، در اینجا بود که مقتول زنده شد و گفت: فلان کس مرا کشت و پس از گفتن این کلام، مجددا فوت کرد. [۳۹]. داستان فوق بطور اجمال و کوتاه در کتاب تورات، سفر تثئیه، فصل ۲۱ نیز بیان شده است. ۴ - در قرآن کریم آمده است: «ورسولا- الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بآیه من ربکم انی اخلق لکم من الطین کهیئة الطیر فانفخ فیہ فیکون طیرا باذن الله و ابریء الا- کمه و الابرص و احیی الموتی باذن الله [۴۰]». «و پیامبری (عیسی) به سوی بنی اسرائیل [فرستادیم که به آنان گفت: من با نشانه‌ای از پروردگارتان نزد شما آمده‌ام، من برای شما از گل [موجودی] مثل شکل پرنده می‌سازم، پس در آن می‌دمم و به اذن خدا پرنده واقعی می‌شود. کور و پیسی را شفا می‌دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم.» در کتابهای تفسیری آمده است که حضرت عیسی علیه السلام چهار نفر را زنده کرد. الف) عازر: که یکی از دوستانش بود و سه روز از فوت او می‌گذشت، عیسی علیه السلام به خواهر وی فرمود: مرا بر سر قبر او ببر. سپس گفت: خداوند! ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و ای پروردگار زمینها! تو مرا به سوی بنی اسرائیل فرستادی تا آنان را به دین تو بخوانم و به آنان خبر دهم که من مردگان را زنده می‌سازم؛ پس عازر را زنده کن! در این هنگام عازر از قبرش بیرون آمد و سالیانی زندگی کرد و دارای فرزندان شد. ب) ابن العجوز (پسر پیرزن): او مرده بود و او را در تابوت نهادند که عیسی علیه السلام بر او گذر کرد و از خدا درخواست نمود تا او را زنده نماید، خدا دعایش را مستجاب کرد و مرده، زنده شد. ج) دختر عاشر: از عیسی علیه السلام درخواست کردند که او را زنده کند و حضرت دعا کرد و زنده شد. د) سام پسر نوح: حضرت عیسی علیه السلام خدا را به اسم اعظمش خواند تا سام زنده شود. سام زنده شد و گفت: آیا رستخیز برپا شده است؟ عیسی علیه

السلام فرمود: نه، بلکه من تو را به اسم اعظم زنده کردم. [۴۱].

رجعت کنندگان

اشاره

رجعت جنبه عمومی و همگانی ندارد، بلکه اختصاص به مؤمنان خاص و کافران ستمگر دارد، چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان الرجعة ليست بعامة وهي خاصة، لا يرجع الا من محض الايمان محضا او محض الشرك محضا [۴۲]». رجعت امری همگانی نیست، بلکه اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می‌کنند که ایمان خالص و یا شرک خالص داشته باشند. در ذیل به برخی از رجعت کنندگان اشاره می‌شود.

پیامبران گذشته

عبد الله بن مسکال از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در تفسیر آیه «و اذ اخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب وحكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به [۴۳]». «و زمانی که خدا از پیامبران پیمان گرفت که شما را کتاب و حکمت داده‌ام، به پیامبری که آیین شما را تصدیق می‌کند و با رسالت نزد شما می‌آید بگروید و یاری‌اش کنید.» فرمود: «ما بعث الله نبيا من لدن آدم وهلم جرا ويرجع الى الدنيا فينصر رسول الله وامير المؤمنين [۴۴]». خداوند هیچ پیامبری را از آدم تا سایر انبیاء، مبعوث نکرد، جز آنکه به دنیا بازگشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری خواهند کرد.»

پیامبر اکرم و امامان

ابن خالد کابلی از امام سجاده علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در تفسیر آیه «ان الذي فرض عليك القرآن لرادك الى معاد [۴۵]» «آن کسی که قرآن را بر تو فرض نمود، تو را به بازگشتگاهی برمی‌گرداند.» چنین فرمود: «يرجع اليكم نبيكم وامير المؤمنين والائمة [۴۶]» پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و همه امامان علیهم السلام به سوی شما باز می‌گردند.»

امام حسین اولین رجعت کننده

امام صادق علیه السلام فرمود: «اول من يكر في رجعته الحسين بن علي، يمكث في الارض حتى يسقط حاجباه على عينيه [۴۷]». اولین شخصی که به دنیا رجعت خواهد کرد، امام حسین علیه السلام است. ایشان آنقدر در زمین زندگی خواهد نمود تا آنکه از فرط پیری دو ابروی او بر چشمانش بیفتد.»

مؤمنان

مفضل بن عمر می‌گوید: در مورد قائم علیه السلام و اینکه برخی از اصحاب ما که منتظر ظهور ایشان بودند از دنیا رفتند گفتگو می‌کردیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: «اذا قام اتى المؤمن في قبره فيقال له: يا هذا انه قد ظهر صاحبك فان تشا ان تلحق به فالحق [۴۸]». هنگامی که [حضرت مهدی علیه السلام] قیام کند، [کسانی] در قبر مؤمن داخل شده و به او گفته می‌شود: ای فلانی! مولای تو ظهور کرده است، اگر می‌خواهی که به او پیونندی، پس به او ملحق شو.»

قوم موسی و اصحاب کهف

امام صادق علیه السلام فرمودند: «یخرج القائم من ظهر الکعبه مع سبعة وعشرين رجلا خمسة عشر من قوم موسى عليه السلام الذين كانوا يهدون بالحق وبه يعدلون وسبعة من اهل الکهف ويوشع بن نون وسلمان وابو دجانه الانصاری، والمقداد ومالك الاشر [۴۹]. حضرت مهدی علیه السلام از پشت کعبه قیام می‌کند و همراه او بیست و هفت نفر مرد هستند. پانزده نفر از قوم حضرت موسی هستند یعنی همان کسانی که به حق راهنمایی می‌کردند و به حق داوری می‌نمودند، و هفت نفر از اصحاب کهف می‌باشند و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر [نیز از آنان] هستند.»

پاورقی

- [۱] لسان العرب، ابن منظور، ج ۸، ص ۱۱۴؛ اقرب الموارد، ج ۱، ص ۳۹۱.
- [۲] الايقاظ، من الهجعة، ص ۲۴۵.
- [۳] مفاتيح الجنان، اعمال ماه ذی قعدة، دعای روز بیست و پنجم.
- [۴] الايقاظ من الهجعة، ص ۲۷۲.
- [۵] شیعه و رجعت، محمد رضا طبسی نجفی، مترجم: محمد میرشاه‌لو، ص ۱۴۵.
- [۶] نمل/ ۸۲ و ۸۳.
- [۷] کهف/ ۴۷.
- [۸] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۷؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۹۷.
- [۹] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۸.]
- [۱۰] مفاتيح الغیب، ج ۲۴، ص ۲۱۸.
- [۱۱] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۴۹.
- [۱۲] المیزان، ج ۱۵، ص ۴۳۵.
- [۱۳] تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۲.
- [۱۴] بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۰؛ ايقاظ، ص ۳۳۵؛ مجمع البیان در ذیل آیه مورد بحث؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸.
- [۱۵] مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴؛ بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۲؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۷؛ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۲.
- [۱۶] مؤمن/ ۵۱.
- [۱۷] نقل از بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۰؛ الايقاظ من الهجعة، ص ۴۶.
- [۱۸] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۲۶.
- [۱۹] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲.
- [۲۰] الايقاظ من الهجعة، ص ۳۳، ص ۴۳۰.
- [۲۱] مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.
- [۲۲] بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۸۸.
- [۲۳] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲.
- [۲۴] همان، ص ۱۲۱.
- [۲۵] همان، ص ۶۳؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۳۶۶.

- [۲۶] حق الیقین، سید شبر، ص ۱۱؛ دولة المهدی، بهارانچی، ص ۳۸۱.
- [۲۷] الايقاظ من الهجعة، حر عاملی، ص ۲۷۶.
- [۲۸] همان، ص ۲۷۸.
- [۲۹] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲.
- [۳۰] همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.
- [۳۱] همان، ج ۱۰۱، ص ۲۰۰.
- [۳۲] همان، ج ۲۲، ص ۲۰۲.
- [۳۳] همان، ج ۲۲، ص ۲۳۶.
- [۳۴] همان، ج ۲۲، ص ۲۶۰.
- [۳۵] مفاتیح الجنان، اعمال روز سوم شعبان.
- [۳۶] بقره/۲۴۳.
- [۳۷] الايقاظ من الهجعة، ص ۱۲۳.
- [۳۸] بقره/۵۶ و ۵۷.
- [۳۹] تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۳۱؛ تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۲۱۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۵۸؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۱۵.
- [۴۰] بقره/۷۲ و ۷۳.
- [۴۱] تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۰۲؛ تفسیر المیزان، ج ۱، در ذیل آیه فوق.
- [۴۲] آل عمران/۴۹.
- [۴۳] مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴۵.
- [۴۴] البرهان، سید هاشم بحرانی، ج ۲، ص ۴۰۸.
- [۴۵] آل عمران/۸۱.
- [۴۶] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.
- [۴۷] قصص/۸۵.
- [۴۸] بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۶.
- [۴۹] همان، ص ۶۳.
- [۵۰] غیبت طوسی، ص ۴۵۹.
- [۵۱] روضة الواعظین، ص ۲۶۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

